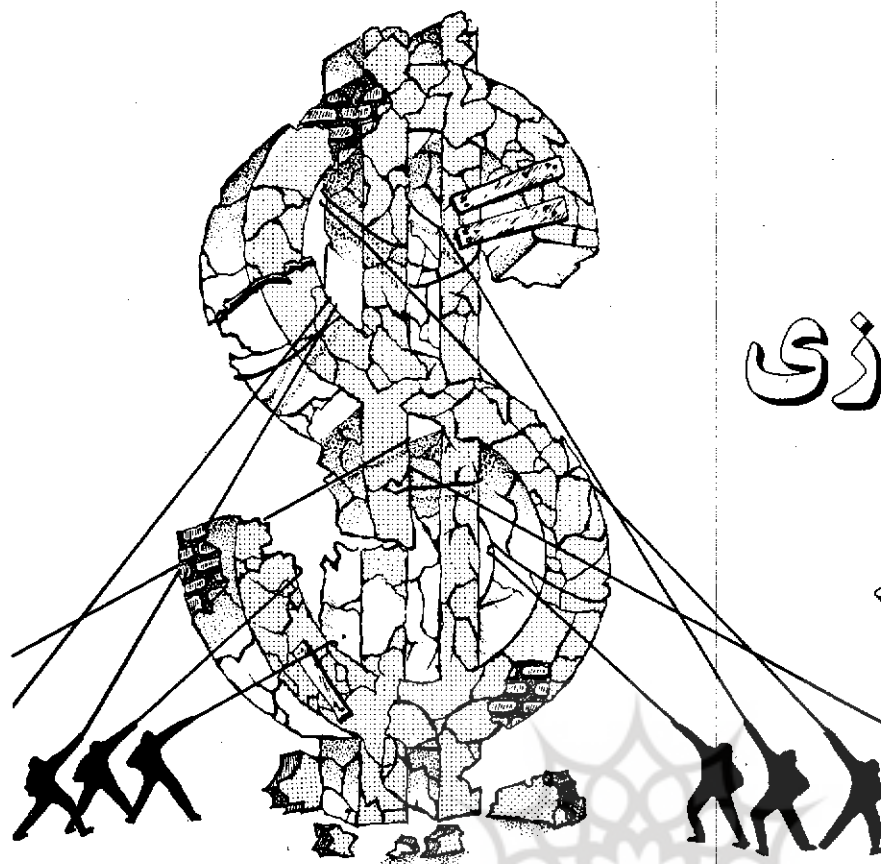


# آثار یکسان سازی نرخ ارز



در پی برنامه یکسان سازی نرخ ارز، دیدگاههای مختلفی پیرامون آن مطرح گردیده است. در این بین نظر کارشناسان مطلع قابل توجه می باشد. در این شماره نظر رئیس دفتر کلان سازمان برنامه و بودجه به عنوان یکی از موافقین برنامه درج می گردد.

**حاج علی فرد رئیس دفتر کلان سازمان برنامه و بودجه در گفتگو با خبرنگار ما، پیرامون دلایل طرح یکسان سازی ارز در کشور می گوید:**

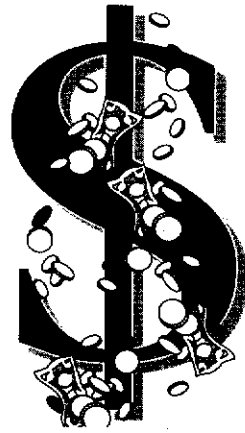
یکی از دلایل اصلی یکسان سازی نرخ ارز این است که اصولاً بین تولید یک کالا و مصرف همان کالا یک قانون اقتصادی حاکم باشد. این قانون این است که هر اندازه قیمت یک کالا افزایش پیدا کنند، از میزان مصرف آن کاسته می شود. این قانون کلی است و در همه جا و در هر شرایطی صادق است. مثلاً قانون جاذبه زمین را در نظر بگیرید. که سبب فرود می آید و به زمین می افتد. در اقتصاد هم چنین است. برخی از قوانین اقتصادی همواره در شرایط مشابه نیز صادق هستند. یعنی هر وقت قیمت یک کالا بالا برود، مصرف آن کاهش خواهد یافت. در مورد ارز هم چنین است. ارز، در یک دوره طولانی، مستقل از تحولات اقتصادی در نظر گرفته می شد، ما کشوری هستیم که زمانی ۶ میلیون بشکه نفت تولید و صادر می کردیم. در همان زمان

از انقلاب بسیار مورد توجه بوده است. مانند انتقال آب و برق، تأسیس مدارس و... به روستاها و مناطق محروم کشور. این فعالیتها هم ارزشز بوده است. یعنی تقاضا برای ارز، به لحاظ رشد جمعیت و توسعه فعالیتها تشدید شده است. پس زمانی که کالایی کم بشود، قیمت آن باید بالا برود. به عبارت دیگر حالا که ارز کم شده باید قیمت آن را افزایش داد. هنگامی که جمعیت کشور افزایش یابد، تقاضا هم برای ارز افزایش می یابد. پس ما باید پاسخگوی این تقاضا و منطقی کردن آن باشیم و به سوی منطقی کردن آن گام برداریم. یعنی باید نرخ ارز بالا برود. این منطقی اساسی اقتصاد است که ما را به این عمل وادار می کند. اگر با این منطقی مواجه نشویم و عکس العمل علمی نشان ندهیم، نتیجه این خواهد شد که امکانات لازم برای افزایش ارز در کشور به جریان نخواهد افتاد.

مثلاً اگر نرخ ارز را بشکل مصنوعی پائین نگه داریم. هیچ صادرکننده ای برایش سودآور نیست که بکوشد کالایش را به خارج صادر کند. اما در مقابل سود در این است که کالا از خارج وارد شود به لحاظ اینکه کالای خارجی بسیار ارزان تر تمام می شود پس در این شرایط تقاضا برای ارز روز به روز افزایش می یابد. در هر

هم جمعیت کشور نسبت به حال بسیار پایین بود. اما حالا چی هم تولید نفت پایین آمده و هم آنکه جمعیت کشور افزایش یافته. در آن زمان تقاضا برای ارز هم متناسب با پایین بودن جمعیت و مصرف کالا - نسبت به الآن پایین بوده است. مسلماً وقتی که حجم مصرف پایین باشد، تقاضا برای کالاهای مختلف مانند ارز هم پایین خواهد بود. از طرف دیگر حجم فعالیتهایی که در آن زمان هم داشته ایم و به توبه خود نیازمند ارز می باشد در سطح پائین بوده است - البته من بیشتر به تحولاتی که بعد از سالهای ۵۰ در کشور ما انجام گرفته نظر دارم - عرضه ارز ما هم که منتج از صادرات نفت و صادرات کالاهای غیرنفتی بوده از سالها پیش رو به کاهش گذاشته است. بطوری که در سالهای اخیر حجم صادرات نفت کشور بین ۲ تا ۳ میلیون بشکه در روز بوده است. از طرفی جمعیت ما هم که در آن زمان ۳۰ میلیون نفر بوده، حالا به ۵۶ میلیون نفر رسیده. حجم فعالیتهای اقتصادی ما هم به لحاظ تغییرات قاطعی که در نحوه مدیریت و اداره اقتصادی کشور رخ داده است بویژه در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نیاز کشور را به ارز افزایش داده است. بطوری که می دانید بسیاری از فعالیتهایی که قبلاً انجام می گرفته در سالهای بعد

حال این طرح لازم بود که درسالهای گذشته انجام می‌گرفت و هر قدر در اجرای این برنامه تأخیری شد موجب عمیق‌تر شدن شکاف میان نرخ رسمی ارز با قیمت آن در بازار می‌گردید. ما در کشور، تولیدات بسیاری هم داریم، اما این تولیدات بگونه‌ای نیستند که بتوانند روی پای خود بایستند. اگر دولت از برخی از صنایع حمایت خود را بردارد، آن صنعت دیگر نمی‌تواند خودش را اداره کند. چون همواره تحت حمایت شدید دولت قرار داشته و این کارخانه بجای اینکه در تکنولوژی و کالای محصول خودش، تغییر کیفیت بدهد، عمدتاً سعی می‌کند که ارز ارزان قیمت وزیادی را تهیه کند تا بتواند تسهیلات بیشتری خریداری کند و خط تولیدش را راه بیاندازد. هیچ تلاشی هم برای افزایش کمی و کیفی تولیدات خود نکرده، دنبال خلاقیت و کسب روشهای علمی که بتواند توانایی علمی و فنی تولید را افزایش بدهد، نرفته است. فقط ما آن را وابسته کرده‌ایم هر صنعتی هم که وابستگی بیشتری به این مکانیسم داشته است، عقب‌تر بوده و هر قدر وابستگی به دولت و ارز دولتی کمتر بوده، آن کارخانه بیشتر توانسته خودش را در پی تغییر و تحولاتی که پیش آمده، حفظ نماید. حجم صادرات ما همیشه کمتر از حجم واردات است. کشورهای دیگر تلاش می‌کنند که تعهدات خارجی ایجاد کنند و طی آن منابع جدیدی برای سرمایه‌گذاری در کشور خود تدارک ببینند. ما درسالهای قبل از انقلاب به لحاظ مشکلاتی که در آن زمان وجود داشت عمدتاً کوشش می‌شد تا کالاهای مصرفی وارد کشور بشود. کالا هم مصرف می‌شد و هیچ تأثیر و تسغیری هم روی توان تولیدی کشور بجا نمی‌گذاشت فقط روز به روز واردات ما را بیشتر می‌کرد. دلیل دیگر برای یکسان‌سازی ارز رشد واسطه‌گری در سالهای اخیر است. که یکی از مهمترین دلایل آن همین پایین نگه داشتن نرخ ارز بوده است. اصولاً در شرایطی که نرخ ارز پایین باشد، هرکسی که از منابع داخل استفاده می‌کند، نسبت به کسی که از منابع خارجی استفاده می‌کند زیان بیشتر خواهد دید چون باید منابع داخلی را با سعی و تلاش خودش و با هزینه‌های داخلی که بسیار بیشتر از هزینه‌های خارجی است، تهیه کند. چون هزینه‌های خارجی با نرخ ارز ارزان تهیه می‌شود. بنابراین هر نوع تلاش که متکی بر منابع داخلی باشد بسیار عقب‌افتاده خواهد بود. در مقایسه با تلاشی که برای کسب منابع خارجی با نرخ ارزان بعمل می‌آید. یکی از دلایل عقب‌افتادگی تحقیقات هم



### هر قدر برنامه یکسان‌سازی نرخ ارز در کشور با تأخیر انجام می‌شد موجب عمیق‌تر شدن شکاف میان نرخ رسمی ارز با قیمت آن در بازار می‌گردید.

همین موضوع بوده است. ما در امر پژوهش بیشتر به سوی ترکیب مصنوعات ساخته شده خارجی گرایش داشته‌ایم، بنابراین می‌بینیم که تحقیقاتی رشدی نداشته‌ایم. درحالی‌که اگر شما نرخ ارز را متناسب با نرخ بقیه کالاها در شرایط رقابت قرار بدهید، تکنولوژی سریعتر و راحت‌تر به کشورها راه می‌یابد.

ما الان می‌دانیم وضعیت بخشهای مختلف اقتصادی کشور چگونه است، از مزیت‌های نسبی کدام رشته صنعتی و اقتصادی و یا هر بخش دیگر چیست؟ درحالی‌که با یکسان‌سازی نرخ ارز ما میتوانیم مسایل و مشکلات بخش‌های مختلف اقتصادی را دقیقاً ارزیابی و شناسایی بکنیم. در این صورت پیدا کردن راه‌حل هم بهتر خواهد بود. مثلاً یکی از مشکلات بخش کشاورزی که تا کنون نتوانسته است در کشور ما رشد کند، همین نرخ ارز بوده است. یکی از افتخارات دولت آقای هاشمی رفسنجانی این است که ما در اوائل تصدی ریاست جمهوری ایشان سالیانه ۵ میلیون تن کمبود گندم داشتیم. درحالی‌که این رقم هم‌اکنون به ۲ میلیون تن کاهش یافته است. از نظر تولید محصول جو صد درصد خودکفا شده‌ایم و نیازی به واردات نداریم. محصول چای هم همین‌طور. برای مثال علی‌رغم حمایت‌هایی که درسالهای گذشته از کشت و تولید چای در کشور به عمل آمده، بخش مهمی از مزارع این محصول سالیانه تخریب می‌شده است. درحالی‌که ما با ارز

هفت تومانی بیشترین نیاز این بخش را تأمین می‌کردیم. اما کمیت و کیفیت این محصول سال به سال کاهش می‌یافت در صورتی که حالا دولت با تحولاتی که در برخی سیاست‌های خود بعمل آورد، سبب شد که در زمان بسیار کوتاهی کمیت و کیفیت محصول چای در کشور ۴۰ درصد بالا بود. ما حال نمیدانیم که مزیت یا ضعف ما در بخش‌های مختلف صنعتی و اقتصادی در کجاست. چون که نرخ ارز رسمی موجب می‌شود که ما توانیم نقاط ضعف و قوت خودمان را تشخیص بدهیم. در شرایطی که نرخ ارز برای تمامی کالاهای کشور صادق است، می‌شود این مزیت‌ها و ضعف‌ها را تشخیص داد.

بروز مزیت نسبی یا ضعف یکی از نکات اساسی این طرح است. هرکشوری را که شما در نظر بگیرید چه صنعتی و چه غیرصنعتی - نمی‌تواند همه ما بخواهد خود را تأمین کند. حتی بسیاری از کشورهای صنعتی هنگامی که از یک مرحله صنعتی فراتر می‌روند، بخشی از زنجیره تولید و قطعات مختلف یک کالا را در کشورهای دیگر تولید می‌کنند با آنکه توان علمی تولید آن قطعه یا محصول را دارند، اما تولید آن کالا را به خارج از کشورشان انتقال می‌دهند. زیرا هرکشوری در یک بخش از مجموعه تولیدات، مزیت‌هایی نسبی دارد که اینها تحت سایه نرخ ارز در آن کشور بوجود می‌آید.

**سؤال:** با اجرای یکسان‌سازی نرخ ارز پیش‌بینی می‌شود که بسیاری از بخش‌های اقتصادی، صنعتی و آموزشی کشور تحت تأثیر این تحول قرار بگیرند. در این صورت بنظر شما در سطح مدیریت کشور اعم از صنعتی و آموزشی و... چه تحول و تغییرات اساسی روی خواهد داد؟

**پاسخ:** طبیعی است که تحول بوجود خواهد آمد اما جهت این تحول بیشتر بسوی گسترش، پویایی و خلاقیت است. یعنی در آن شرایط، مدیریتی می‌تواند روی پای خود بماند و به کارش ادامه دهد که اتکا او نه به ارز دولت باشد بلکه توانایی فنی و ابتکارات و نوآوری را در مجموعه تحت نظرش بوجود آورد. بعبارت دیگر اگر مدیری خوب عمل کند و بتواند انگیزه‌ها و خلاقیتها را در فضای کار تحت مدیریت خود پدید آورد، می‌تواند دوام بیاورد. درحالی‌که اگر مدیر منابع باد آورده کسب نماید، معلوم نیست که توانایی او تا چه اندازه است. شما اگر کارخانجات نساجی کشور را در نظر بگیرید. همه این کارخانجات بطور مساوی از یک میزان نرخ

ارز برخوردار خواهند شد در این شرایط آن مدیریتی موفق خواهد شد که بتواند با خلاقیت از هزینه تولید بکاهد و محصول خود را با کیفیت بیشتر و قیمت کمتر راهی بازار نماید. در شرایطی که همه کارخانجات کشور به راحتی به نرخ ارز رسمی ۷ تومانی دسترسی داشتند لزومی برای رقابت و جلوگیری افتادن محصولات این صنایع از نظر کمی و کیفی وجود نداشت. نیازی هم به کسب منابع درآمدی در بازار نداشتند. به عبارت ساده تر هیچگاه این مدیر، توجه اش بسوی این نکته جلب نمی شد که برود شیوه تولیدی پیدا کند که با اجرای آن از هزینه های تولید کاسته شود. ضمن آنکه توانایی علمی و کارایی در آن کارخانه بالا برود. اساساً نیازی به خلاقیت نبوده، منابع ارزان بطور مستمر به او می رسیده بدین جهت درآمدش سرشار بوده. نیازی به جستجوی منابع کسب دیگر نداشته است. مثال دیگر عرض کنم، ما صنعت خودروسازی داریم. درسالهای گذشته خودرو ساخت داخل را دولت به نرخ ۱۰۰ هزار تومان می فروخت. هنگامی که این ماشین از کارخانه خودروسازی بیرون می آمد، آن طرف خیابان افرادی بودند که این محصول را به نرخ ۵۰۰ هزار تومان از شما می خریدند. یعنی شما آمده اید ارزش و جهت کارگر فنی، مهندسی، خط تولید و مدیریت کارخانه خودروسازی را ۱۰۰ هزار تومان منظور کرده اید. اما آن طرف تر چه اتفاقی افتاده است چه کسانی در آن طرف فعالیت می کنند آیا این افراد که بیشترین سود را برده اند غیر از واسطه ها و دلالها بوده اند. اما ما آمده ایم ارزش کار این دلالها را ۵۰۰ هزار تومان گذاشته ایم. البته هیچ کس با دلال و واسطه گری در آن زمان موافق نبود اما پی آمد روشهای آن، در واقع همین بود که بخش دلالی سودآور باشد و بدین خاطر رشد بیشتری پیدا کرده بود. اما اگر خودرویی که تولید شد، شما همان نرخ بازار را روی آن گذاشتید، دیگر کسی آن طرف خیابان نمی ایستد که بخواهد سود بیشتری نصیب خود کند. بطوری که الان می بیند نرخ پیکان در کمپانی همان است که در بازار آزاد وجود دارد. حداکثر ۱۰ تا ۲۰ هزار تومان ممکن است اختلاف قیمت باشد که این هم طبیعی است؛ یعنی ما با این قیمت گذاری، در واقع ارزش کار کارگرفنی، مهندسان خط تولید، مدیریت و... را افزایش داده ایم و این امر نشان دهنده حمایت از بخش صنعت کارگر و مهندسین و مدیریت می باشد. اگر شما از سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از هریک از مسئولان سوال کنید که آیا شما با واسطه گری موافق هستید همه متفقاً به شما

می گویند: نه. اما عملکرد اقتصادی کشور عملاً در این جهت بود. با آنکه هیچ یک از مسئولان نمی خواستند که این بخش (دلالی) رشد کند اما واسطه گری توسعه یافته بود. بنابراین مدیریت، باید این تحول را ایجاد کند که همه کسانی که در یک سیستم تولیدی قرار گرفته اند، برای کسب دانش فنی و کارایی بیشتر رقابت و تلاش کنند. مسلماً باید فضایی رقابتی را گسترش داد. یکی از اهداف اساسی یکسان سازی نرخ ارز، همین ایجاد فضای رقابت در بخش های مختلف اقتصاد جامعه است. ما نباید از انحصار و شرایط انحصاری دوری کنیم. چون انحصار مانع از بروز خلاقیتها می شود و یکی از فعالیتهای مهمی که با اجرای برنامه یکسان سازی نرخ ارز انجام می گیرد از بین بردن انحصارات و ایجاد فضای رقابت است. هر قدر این فضا بیشتر شود ما موفق تر می شویم تا توان علمی و تولیدی کشور را بالا ببریم از قیمت تمام شده کالا بکاهیم، کیفیت را افزایش بدهیم و فضایی از خلاقیت در جامعه و محیط کار ایجاد کنیم.

**\* سؤال:** بنظر شما اجرای این برنامه (یکسان سازی نرخ ارز) به چه صورت روابط کار و بازار اشتغال کشور را تحت تأثیر قرار می دهد. آیا میتوان خوشبین بود که این تأثیرات در جهت توسعه اشتغال جامعه عمل کند.

**\* پاسخ:** با اجرای یکسان سازی نرخ ارز فقط مدیریت بخشهای مختلف تحت تأثیر قرار نمی گیرند. بلکه در مجموعه یک سیستم، کسی موفق خواهد بود که روز به روز بر توان علمی و فنی خود بیفزاید. آموزشهایی که یک فرد در حین کار می بیند، موجب جلو افتادن او از دیگران می شود. یعنی رقابت برای کسب مهارت و تخصص در جامعه افزایش می یابد. اما اگر کسی این توان و مهارت را در خودش بوجود نیاورد، مسلماً در این شرایط نمی تواند توفیق چندانی بدست آورد. به همین لحاظ ما در روابط کار، در محیط کار مانند روابط کارگر و کارفرما، باید در پی این باشیم که فضایی ایجاد کنیم که در این فضا، خلاقیتها، توانها شکل بگیرد. باید کوشش کنیم که این شرایط، بطور مساوی در اختیار همه باشد، همه بتوانند از امکانات و تسهیلات و شرایط موجود برای کسب توانایی و خلاقیت و مهارت استفاده ببرند. به عبارت دیگر فضای کار ما نباید برای گروه خاصی، امتیازات ویژه ای در برداشته باشد که بقیه افرادی که در آن محیط کار می کنند، بجای افزایش توان خود بکوشند در این گروه قرار بگیرند و یا در گروهی که به مقابله با گروه دیگر می پردازد. باید ارجحیتها را طوری تنظیم

کنیم که کسانی که کار بیشتر و کار مبتنی بر تفکر بیشتر انجام می دهند، جلو بیفتند. اگر این کار را کردیم، می توانیم محیط کار را هم مرتباً رشد بدهیم. یکسان سازی نرخ ارز این شرایط را در محیط های کار بوجود خواهد آورد. تا هنگامیکه این تغییرات در محیط کار داده نشود خلاقیتها

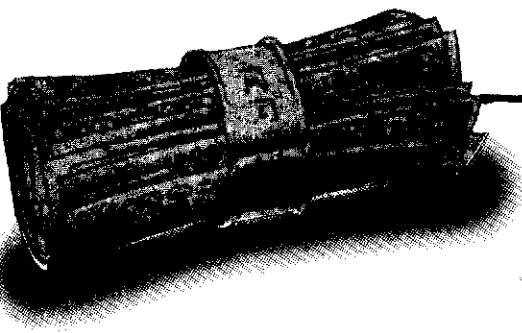


**اگر نرخ ارز را به شکل مصنوعی پائین نگه داریم، هیچ صادرکننده ای، برایش سودآور نیست که بکوشد کالایش را به خارج صادر کند. اما سود در این است که مواد اولیه کالاها به کشور وارد شود.**

بروز نخواهد کرد. البته نرخ ارز بطور مستقل نمی تواند این کار را انجام بدهد. حالا این گوی و این هم میدان مسابقه. برای این کار باید نشست و اقدامات لازم را تدارک دید.

موضوع مهم دیگری که می باید به آن توجه کرد این است که تغییر نرخ ارز، همه کار نیست. تغییر نرخ ارز شروع یک فعالیت گسترده در جریان اقتصادی کشور است، چون برخی تصور می کنند که با یکسان سازی نرخ ارز، همه مشکلات حل خواهد شد. اما ما تازه در مرحله شروع کار هستیم. تغییر نرخ ارز، شناور شدن نرخ ارز یا تعیین نرخ ارز توسط بازار اولین تأثیرش این است که ما را متوجه می کند که مشکلات ما در کجاست، ما در چه بخشهایی ضعف داریم، یعنی ما می توانیم دقیقاً محل مشکل را تشخیص بدهیم. در این شرایط ما بهتر می توانیم فکر کنیم. که مشکل اصلی ما چیست و چگونه می توانیم آن را حل کنیم.

شما پخت نان را در نظر بگیرید. ما درسالهای



می‌شود. در مورد حمایت دولت از افراد هم همین طور است.

اسلام می‌گوید ما باید شرایط را طوری آماده کنیم که آن فرد از نیروها و پتانسیل درونی خودش استفاده کند حالا اگر، این نیرو و پتانسیل در بخش نویسندگی است باید صرف نویسندگی شود و... ایا اینکه فضای رقابت ایجاد بشود، تنها برای یک گروه خاص شرایطی بوجود نیاید که بیشترین استفاده را از امکانات بکنند و آن مسأله هزار فامیل بوجود بیاید، ایا اسلام این را می‌گوید؟

برای شروع کار باید فضای رقابت ایجاد کنیم. یعنی فضای رقابت بین تمام مردم. این قانون و مقررات می‌خواهد و اقدامات اساسی می‌خواهد. اگر اینها را انجام ندهیم، این هم خودش زمینه‌ای می‌شود مانند نرخ ارز، زیرا وقتی که نرخ ارز را شما پایین می‌آورید رنتی را ایجاد می‌کند. یعنی بدست هرکس که می‌رسد یک درآمد باد آورده ایجاد می‌کند. رنت در سایه گروه انحصاری هم شکل می‌گیرد. پس در شرایط انحصاری طوری قیمت کالا را تعیین می‌کنیم که در سایه این قیمت منافع بسیاری کسب کنیم بنابراین نرخ ارز یکی از مسایل است. ما باید جلوی انحصار را بگیریم. فضای رقابت را باید بیش از پیش ایجاد بکنیم تا اینکه رشد علمی و فنی افراد و جامعه بالا برود. به همین دلیل است که گفتیم نرخ ارز شروع کار است. همه کار نیست. یعنی خودش به تنهایی کاری نمی‌تواند بکند بلکه زمینه را مساعد می‌کند و ممکن است خیلی چیزهای نامساعد در این زمینه به طور مساعد شکل بگیرد که باید در عمل جلوی آن را گرفت و جلوگیری از اینها هم شرایط خودش را دارد. این چیزها را باید در سایه این تحولات شکل داد. باید قوانینی باشد که از او حمایت کند. برای تولیدکننده هم همین طور باید حمایت قانونی باشد. برای همه آحاد جامعه باید قانون بتواند حمایت‌های لازم را ایجاد بکند که نه انحصاری شکل بگیرد و نه اینکه اینها خودشان بتوانند انحصار خارجی ایجاد کنند ما چنین چیزهایی کم داریم.

ما بعضی از اینها را نداریم. بعضی از این موارد بطور نارسا در قانون هستند که بهر حال احتیاج به بازنگری و بررسی بیشتر دارند.

بهره‌هم برود. ما در روایات و احادیث پیرامون ارزش کار فراوان مطلب داریم. در این احادیث ارزش را درکار کردن و تلاش بیشتر کردن می‌دانند. آیا مگر غیر این است که ما می‌خواهیم شرایطی فراهم کنیم برای تلاش بیشتر در جهت ساختن کشور، برای کسب منافع بیشتر، حتی منافع مزدی؟ حتی در احادیث تلاش برای کسب منافع برای خانواده را در جهت مجاهده در راه خدا میدانند. زیرا ارزش کار را مشخص می‌کند. ما یکی از فضاهایی که ایجاد می‌کنیم این است که هرکس اثر بیشتری در ساخت یک مجموعه دارد و یا کار بیشتری می‌کند باید بهره او هم بیشتر باشد. یعنی هرکس بر اساس توانمندی خودش می‌تواند کسب منافع مادی و فرهنگی بکند. غیر از این مانند کسی است که اصلاً توانمندی ندارد. اولاً کسانی که اصلاً توانمندی ندارند محدود هستند. یکی نویسنده خوبی است یکی کارگر خوبی است و یکی کارفرمای خوبی است. به هر حال هرکس قادر است کاری را انجام بدهد. مگر معلولین که آن هم بمهده دولت و مردم

**یکی از دلایل مهم اجرای برنامه یکسان‌سازی نرخ ارز، رشد واسطه‌گری در ۲۰ سال اخیر بوده است. مهمترین دلیل بوجود آمدن واسطه‌ها هم پایین نگه داشتن نرخ رسمی ارز بوده است.**

است که از آنها حمایت کنند. اگر شما جایزه بهترین فیلم‌ساز را به کسی دادید که بدترین فیلم را ساخته یا جایزه بهترین کار را به کارگری دادید که کارگر خوبی نیست، شما کار خطایی کرده‌اید. ما باید جایزه را به کسی بدهیم که بیشترین کار را کرده و بیشترین خلاقیت را انجام داده، نه به آن کسی که در توب گروه و یا انحصار خاص قرار گرفته است. اگر گروه‌های دیگری هم در جامعه هستند که در محیط آنان می‌تواند سازندگی انجام بدهند و ممکن است در ابتدای کار شرایط لازم را نداشته باشند تا همه توان و استعداد خودشان را افزایش بدهند. ما باید شرایطی فراهم کنیم که آن گروه‌ها در آن شرایط بتوانند از مجموعه‌ای از امکانات جامعه بهره‌مند گردند و دانش و مهارت‌های لازم را کسب کنند. اما اگر با حمایت‌های مختلف کار را همچنان ادامه بدهیم مانند کسی هستیم که مدام از فرزند خودش حمایت می‌کند بطوری که بچه عادت کرده است که چشمش به دست و حمایت پدر باشد و اگر پدر نباشد آن بچه نابود

گذشته مسأله‌مان این بود که آیا پروسه تولید نان سنگک سخت‌تر است یا تافتون و یابری و اینکه پخت چه نوع نانی در شرایط فعلی می‌تواند توسعه بیشتری پیدا کند که جوایگوی تقاضا باشد، مورد نظر نبود. بلکه مشکل ما مطرح بود که کدام نان برای تولید مناسب است. در حالیکه ما موضوع را غلط تشخیص داده بودیم. مسأله ما این نبود که پروسه تولید نان و پاسبانگویی به تقاضای آن، با امکانات و روش‌های تولیدی ما مناسب هست یا نه؟ در حالیکه ما فکر می‌کردیم که تولید نان با ماشین‌آلات هم ارزان‌تر است و هم آنکه کارایی بیشتری خواهد داشت. و آسایش بیشتری برای کارگر در پی دارد. اما بحث ما این بود که کدام یک از انواع نان برای تولید مناسب است. اولین خاصیت نرخ ارز این است که به ما می‌گوید که مشکل ما در کجاست و چگونه می‌توانیم آن را حل کنیم. پس یکسان‌سازی نرخ ارز، همه کارها نیست. اولین کار این است که به ما مشکلات را نشان می‌دهد. در واقع بستری برای انجام کارها و اصلاحات است. اینکه بستر اقتصادی جامعه از اهمیت بسیاری برخوردار است. یکسان‌سازی نرخ ارز این بستر را فراهم می‌کند. برای فعالیتهای بیشتر آماده می‌کند. مطلب بعدی این است که مراحل بعدی پس از یکسان‌سازی نرخ ارز، به همان اندازه یکسان‌سازی نرخ ارز مشکل نیست. زیرا وقتی که ساختار ارز را اصلاح کردیم، می‌توانیم مشکلات را بخوبی بشناسیم وقتی که خوب شناختیم راه درستی برای برطرف کردن مشکلات انتخاب می‌کنیم. بهر حال این سخت‌ترین مرحله تعدیل اقتصادی است. این سختی بیشتر از نظر تدوین راه‌حلهاست. علت اینکه زمان بسیار طولانی صرف تصمیم‌گیری درباره تعدیل ساختار ارز کشور شد همین نکته است.

بهر حال خیلی‌ها فکر می‌کنند که یکسان‌سازی نرخ ارز همه کار است، در حالیکه آغاز همه کارهاست. خیلی کارهای دیگر نظیر ایجاد رقابت، ایجاد شرایط مناسب برای محیط کار و ایجاد شرایط مناسب برای تولید بیشتر وجود دارد.

**\* سؤال:** برنامه یکسان‌سازی نرخ ارز تا چه حد با شرایط فرهنگی جامعه ما تطابق دارد. منظورم این است که کانونهای فرهنگی کشور چه تأثیری روی جریانات سیاسی کشور می‌گذارند، **پاسخ:** ما می‌گوییم هرکس به اندازه سعی خودش برداشت کند. این مطلب یعنی اگر کسی که سعی و تلاش و کار کمتری کند باید کمتر